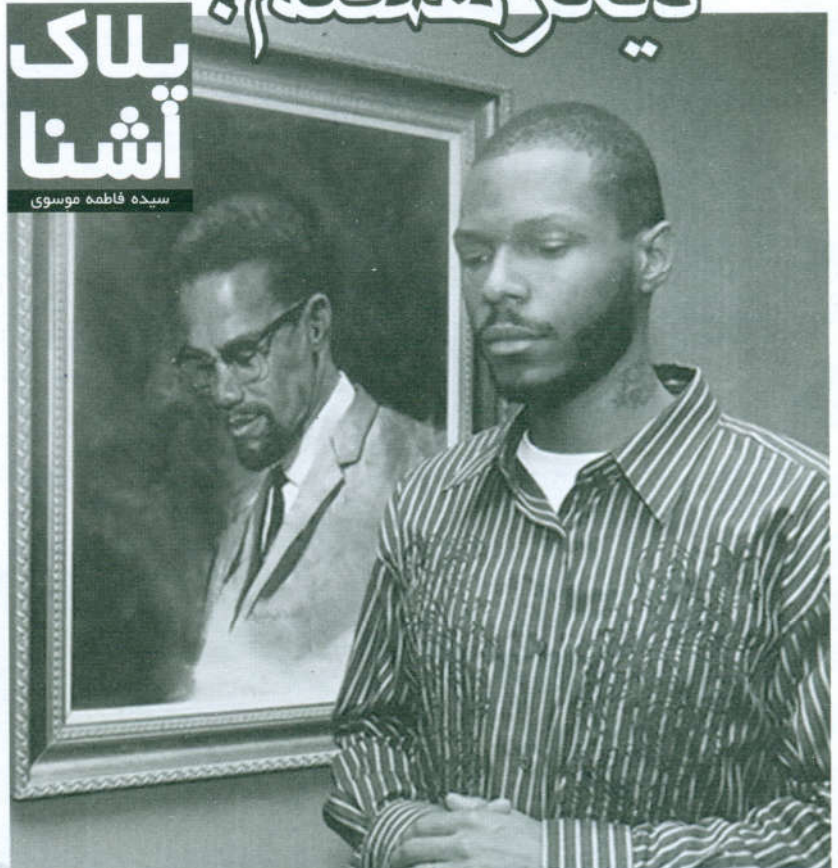


من یک مالکوم دیگر هستم!

بلاک آشنا

سیده فاطمه موسوی



تنها افشاگری پرس تی وی بود که آن‌ها را به تکاپو انداخت تا برای دروغ جلوه دادن خبر این شبکه، شایعه پراکنی کنند؛ این که نوه مالکوم ایکس در یک نزاع در مکزیک بر اثر ضربات چماق کشته شده! یا این که او درحالی که مست بوده در یک کاباره با عده‌ای دست به یقه شده و مهاجمان مسلح او را کشته‌اند! یا این که مقامات مکزیک اعلام کردند که او برای دیدار با یکی از فعالان محلی این کشور به مکزیک سفر کرده.

حالا جنای از گمانه‌زنی‌ها برای دیدار با یک فعال مهاجرت برای آمدن به ایران یا برای کمک به یک جنبش کارگری، یک واقعیت مهم وجود دارد؛ این که قتل مالکوم در آمریکا برای این دولت مشکل ساز می‌شد. برای همین او را به مکزیک کشاندند. چون کشتن انسان‌ها در مکزیک بسیار راحت است. در آن‌جا باندهای تبهکار زیادی وجود دارد که به راحتی آدم می‌کشند. اما مسأله‌ای که رسانه‌های غربی فراموش کرده‌اند این است: کسی که قصد ادامه تحصیل در حوزه علمیه قم را دارد و پایبند به اصول اخلاقی است، به کاباره نمی‌رود تا بر اثر درگیری و زد و خورد در آن جاکشته شود!

دوستان مالکوم براساس شواهد قرائن زیادی مطمئنند که او به وسیله مأموران سیا به شهادت رسیده. یکی از دوستان او می‌گوید: «وقتی جسد شباز را دیدیم، آثار شکستگی فراوان بر روی جسد وی مشاهده می‌شد. قرائن نشان می‌داد که او در اثر شکنجه کشته شده است.» در هر حال رسانه‌های غربی در ایجاد موج تخریب بر علیه مالکوم آن قدر موفق عمل کردند که حتی برخی رسانه‌های داخلی خودمان هم از بردن نام او به عنوان «نوه شیعه» ابا داشتند!

یک شخصیت دوست داشتی

مالکوم در آمریکا یک شخصیت دوست داشتی بود. در مجلس ترخیمش که در کالیفرنیا برگزار شد، گروه‌های مختلفی از سیاه‌پوستان، سرخ‌پوستان و سفیدپوستان، شیعیان و اهل سنت و مسیحیان حضور داشتند.

اما آمریکا او را خطری جدی برای خود می‌دید. شواهد نشان می‌داد که او با ایجاد ارتباط با گروه‌های مختلف در آمریکا تلاش می‌کرد آن‌ها را برای مقابله با نظام حاکم در آمریکا همسو کند. مالکوم می‌خواست اسلام و شیعه را به دنیا بشناساند و آمریکا از این می‌ترسید که او همان نقشی را بازی کند که پدربزرگش بازی کرده بود. حالا اگر به ایران می‌آمد و در حوزه علمیه هم تحصیل می‌کرد و این عقاید و مفاهیم را با خودش به کشورش می‌برد که موضوع برای آنان خطرناک‌تر هم می‌شد. پس آمریکا برای پیشگیری از آن چه در گذشته اتفاق افتاده بود، فرصت زیادی به جوان نو اندیش مسلمان آمریکایی نداد و شیوه عملیات پیشگیرانه برای کشتن او در پروژه‌ای به نام «مرغ مقلد» و معرفی او به عنوان جوانی مسأله‌دار، اجرا شد.

شاید یک مالکوم دیگر...

مالکوم قبل از مرگ، در حال نوشتن دو کتاب درباره زندگی‌اش بود که نیمه تمام ماند. بعد از شهادت او خیلی‌ها در آمریکا حس کردند که باید حرکتی انجام دهند تا نام مالکوم و پدربزرگش زنده بماند؛ چرا که او زندگی خیلی‌ها را تغییر داد.

بسیاری از این افراد شیعه هستند و در تمام دنیا کارهای انقلابی و مذهبی انجام می‌دهند و پس از شهادت مالکوم احساس می‌کنند که حرفی برای گفتن دارند و امیدوارند بتوانند پیام مالکوم را به تمام دنیا برسانند. آن‌ها نیاز به حمایت دارند، حتی برخی از این افراد به دلیل مبارزات‌شان همواره به مرگ تهدید می‌شوند...

حالا مالکوم شباز در کنار قبر پدربزرگش در نیویورک دفن شده و همین روزها فرزندش به دنیا می‌آید؛ شاید یک مبارز دیگر...

این روایت‌های آشفته

گاهی که به کتاب‌های تاریخ مراجعه می‌کردم و می‌دیدم که روایت‌ها از یک واقعه چقدر متناقض و آشفته است، تعجب می‌کردم. اما حالا وقتی می‌بینم در عصر اینترنت، رسانه، ماهواره و شبکه‌های اجتماعی، روایت‌ها از یک واقعه چقدر آشفته و ضد و نقیض‌اند، به این نتیجه می‌رسم که اگر منابع قدرت اراده کنند، چقدر راحت می‌شود حقیقت را دچار آشفته‌گی کرد!

اولین بار به‌طور محدود دو نشریه کم‌تیراژ به مرگ مالکوم پرداخته شد: «نوه مالکوم ایکس که در مکزیک به سر می‌برد، کشته شده و سفارت آمریکا در مکزیک نیز این خبر را تأیید کرده است. اگرچه هنوز اطلاعات دقیقی از نحوه ترور در دست نیست، اما جسد وی صبح پنج‌شنبه درحالی پیدا شد که جراحات ناشی از پرتاب شدن از ساختمان و شلیک گلوله در جسدش آشکار بود. ظاهراً پیش از این وی را در تیجوانا ربوده بودند.»

همین! بعد در رسانه‌های بزرگ خبری که همیشه آماده‌اند برای خبرهای جنجال‌آفرین در ایران و بقیه نقاط جهان، درباره این خبر گرد سکوت پاشیده شد.

جنمه که او وارثش بود

مالکوم خوب حرف زدن و تحلیل کردن را از پدربزرگش به ارث برده بود. در بسیاری از نقاط جهان سخنرانی داشت و یکی از میهمانان و تحلیلگران شبکه پرس تی وی هم بود. او سال گذشته برای شرکت در برنامه «ره‌یافتگان» به نمایشگاه قرآن دعوت شد، اما در آخرین لحظات همه مدارکش را به‌طور کامل اتفاقی (!) زدیدند.

در جشنواره فجر سال گذشته هم برای شرکت در کنفرانس هالیوودسم دعوت شد؛ اما درست دو روز پیش از آمدن به تهران، توسط افبی آی به اتهام سرقت و جعل هویت دستگیر و زندانی شد!

در همین زمان‌ها بود که یکی از شبکه‌های تلویزیونی آمریکا، مستندی جعلی از زندگی مادر بزرگ و پدربزرگ مالکوم به نام «بتی و کورتا» نمایش داد که به عقیده او متعصبانه و غیرواقعی بود و در نهایت به احساس تنفر از خانواده مالکوم ایکس منجر می‌شد. مالکوم معتقد بود بخش این مستند با هدف ترور شخصیت او پیش از حذف فیزیکی‌اش انجام گرفته است.